

سیاست دفاعی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران در پرتو قانون برنامه‌ی پنجم توسعه

فریبرز ارغوانی پیرسلامی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۱۱/۱۱

تاریخ تأیید مقاله: ۱۳۹۰/۱۲/۲۳

صفحات مقاله: ۱۳۷ - ۱۰۵

چکیده:

یکی از مهم‌ترین اهداف کشورها در تدوین سند چشم‌انداز و برنامه‌های چندساله توسعه در بخش‌های گوناگون، تدبیر امور و اداره‌ی جوامع در شرایط پیچیده شدن فرایند حکمرانی است. این نوشتار با هدف بررسی جایگاه سیاست دفاعی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران در قالب قانون برنامه‌ی پنجم توسعه با طرح این سؤال که خطوط کلی سیاست دفاعی - امنیتی موجود در برنامه‌ی پنجم تا چه میزان با ضرورت‌های دفاعی - امنیتی روز و اسناد بالادستی منطبق می‌باشد؟ به بررسی این فرضیه می‌پردازد که قانون برنامه‌ی پنجم علی‌رغم عدم توجه به برخی تهدیدها و نیازهای دفاعی جدید از حیث درک نیازهای اسناد بالادستی در بخش دفاعی به مراتب برنامه‌ای پیش‌رو در این حوزه می‌باشد. بررسی نیازها و ضرورت‌های دفاعی - امنیتی نوین و اسناد بالادستی، بررسی خطوط کلی سیاست دفاعی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران در چارچوب برنامه‌ی پنجم توسعه و انطباق آن با ضرورت‌های نوین دفاعی و اسناد بالادستی و در نهایت اشاره به نقاط ضعف و قوت این برنامه در بخش دفاعی محورهای اصلی این نوشتار است.

* * * * *

واژگان کلیدی

برنامه‌ی پنجم توسعه، سند چشم‌انداز، سیاست دفاعی، سیاست امنیتی، جمهوری اسلامی ایران.

۱- دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه تهران.

مقدمه

تردیدی نیست که پیشرفت، ترقی و کامیابی در مسیرهای گوناگون به‌ویژه در حوزه‌های اقتصادی نیازمند ثبات و آرامش در سطوح فردی و ساختاری یک جامعه است؛ به عبارت دیگر؛ رشد و توسعه‌ی یک کشور نیازمند یک پیش‌نیاز مهم و فوری بوده و آن چیزی جز امنیت و ثبات نیست. زمانی که فرد به عنوان کوچک‌ترین واحد اجتماعی فارغ از دغدغه‌های وجودی و امنیتی در بستر اجتماع گام می‌نهد طبیعی است که تمرکز و آرامش روانی وی به خلاقیت، ابتکار و بهره‌وری ترجمه می‌شود. این موضوع فراتر از یک ادعا، عنصر جوهری مباحث و نظریات توسعه نیز می‌باشد؛ به گونه‌ای که با مطرح شدن مبحث مهم توسعه‌ی انسانی^۱ و توسعه‌ی پایدار به‌عنوان شاخص‌ها و محورهای اصلی در ترقی و پیشرفت یک جامعه (موثقی، ۱۳۸۷: ۲۰-۲۱) بحث ارتقای امنیت از جایگاهی خاص برخوردار شده است.

این ارتقای امنیت در بستر اجتماعی از دو منظر مطمح نظر قرار می‌گیرد؛ وجه نخست آن واجد یک مرجع بیرونی است. در این حالت آن حوزه‌ای که ثبات و آرامش جامعه را ممکن است در معرض تهدید قرار دهد از ناحیه‌ی کشور یا کنشگر خارجی است و به همین جهت سیاست دفاعی و خارجی کشور مسئول اعاده‌ی وضعیت و حفظ آرامش است. دومین وجه ثبات‌دهنده به جامعه دارای یک مرجع درونی می‌باشد که در این وضعیت تهدیدها درونی یک جامعه که ممکن است از سوی افراد و گروه‌ها در داخل ایجاد شود می‌تواند در مسیر توسعه همه‌جانبه ایجاد اختلال کند. تأمین ثبات و امنیت در این رویکرد تابعی از سیاست‌های امنیتی کشور است. علی‌رغم در نظر داشتن این دو وجه، امروزه و در عصر جهانی‌شدن با درهم تنیده‌شدن موضوعات و تحت‌الشعاع قرار گرفتن مرزها، تهدیدها و مراجع اخلاط‌گر نظم بعضاً در یک راستا عمل کرده و از این جهت مدیریت آنها نیازمند هوشمندی و برنامه‌های دقیق و جامعی می‌باشد.

پیشینه‌ی ادبیات پژوهش

توجه به ماهیت و محتوای اسناد راهبردی و توسعه‌ای کشور در بخش‌های مختلف چندان در حوزه‌ی پژوهش به‌طور خاص و فراگیر مدنظر نبوده است. با این حال، برخی پژوهش‌ها و دیدگاه‌ها در ارتباط با موضوع این نوشتار به‌خصوص در بخش دفاعی - امنیتی از سال ۱۳۸۹ به بعد و هم‌زمان با تهیه لایحه‌ی برنامه‌ی پنجم توسعه مورد اهتمام واقع شده است. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در راستای اهداف پژوهشی خود متنی را با عنوان «بررسی لایحه‌ی پنجم توسعه: فصل هفتم - سیاست‌های دفاعی، امنیتی و سیاسی» به عرصه‌ی طبع رسانده که با نگاهی آسیب‌شناسانه به واکاوی کاستی‌های رویکرد دفاعی - امنیتی برنامه‌ی پنجم و موارد مغفول در این بخش می‌پردازد (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹). «محمدرضا ولوی» و «فرزاد طرهانی» در قالب مقاله‌ای که در فصلنامه‌ی «راهبرد دفاعی» به چاپ رسیده به بخش دانش‌بنیان دفاع در پرتو برنامه‌ی پنجم پرداخته‌اند و بر این نظرند که عملکرد مناسب در حوزه‌هایی هم‌چون سیاست‌گذاری فناوری، تجاری‌سازی دستاوردهای پژوهشی، انتقال، اشاعه، جذب و بومی‌سازی فناوری، ارتقای ظرفیت بنگاه‌های موجود، توسعه صادرات محصولات مبتنی بر فناوری و توسعه‌ی کارآفرینی می‌تواند به ارتقای وضعیت توسعه و به‌کارگیری فناوری در بخش دفاعی کشور منجر شود (ولوی و طرهانی، ۱۳۸۸: ۱۳۲-۱۵۴). در کنار دو اثر فوق که به نوعی با برنامه‌ی پنجم در ارتباط بوده اما یا دیدگاه جزءنگر داشته یا آن‌که در بررسی سیاست‌ها به نیازهای روز رویکردی انطباقی نشان نداده‌اند، برخی آثار دیگر به شکلی مرتبط با برنامه‌های توسعه و اسناد راهبردی سیاست‌ها و مفاهیم امنیتی و دفاعی را از نظر گذرانده‌اند (متقی و عسگری، ۱۳۸۸؛ قصری و دوستدار، ۱۳۸۸). این دسته از آثار با وجود آن‌که تلاش کرده‌اند تا سیاست‌های دفاعی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران را مورد بررسی قرار دهند، اما مشمول مرور زمان شده و از این‌رو تجارب و یافته‌های آنها می‌تواند صرفاً در فرایند ارزیابی و تطبیق با اسناد پیشینی و پسینی مطمح نظر واقع شود.

بنابراین، با توجه به این محورها و یافته‌ها و مطالعات برآمده از آنها این نوشتار تلاش دارد تا با نگاهی به مهم‌ترین ضرورت‌های نوین دفاعی - امنیتی عصر حاضر، سیاست‌ها و راهبردهای دفاعی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران مندرج در برنامه‌ی پنجم را از این رویکرد انطباقی مورد بررسی قرار دهد.

پرسش پژوهش

سؤال محوری این پژوهش عبارت است از این که سیاست‌های دفاعی - امنیتی مطروحه در برنامه‌ی پنجم توسعه تا چه میزان با ضرورت‌های نوین دفاعی - امنیتی و اسناد بالادستی هم‌خوانی دارد؟

فرضیه‌ی پژوهش

فرضیه‌ای که این نوشتار در پاسخ به سؤال اصلی به آزمون آن می‌پردازد این‌گونه بیان می‌شود که «به نظر می‌رسد خطوط کلی در نظر گرفته‌شده در بخش سیاست‌های دفاعی - امنیتی برنامه‌ی پنجم توسعه با توجه به ضرورت‌های سه‌گانه‌ی تهدیدات نوین امنیتی، سند چشم‌انداز بیست ساله و سیاست‌های کلی برنامه‌ی پنجم توسعه علی‌رغم برخی کاستی‌ها در اهتمام به تهدیدهای نوین، به نسبت با نیازهای روز کشور خوانایی تقریبی دارد».

سازماندهی پژوهش

در راستای آزمون فرضیه و پاسخ به سؤال پژوهش، بخش نخست از این مقاله با هدف بررسی انطباق خطوط کلی سیاست‌های دفاعی - امنیتی در برنامه‌ی پنجم توسعه با اسناد بالادستی و واقعیت‌های موجود ابتدا با اشاره به رویکرد رئالیسم تدافعی به اهمیت تصور و درک از تهدیدات در نزد کشورها و مقامات آنها پرداخته که تبلور و بازتاب آن در اسناد راهبردی است و سپس به بررسی ضرورت‌های دفاعی - امنیتی در عصر حاضر در سه محور تهدیدات نوین امنیتی، سند چشم‌انداز بیست ساله‌ی کشور و سیاست‌های برنامه‌ی پنجم توسعه می‌پردازد. با شناخت این محورهای مهم، بخش دوم نوشتار حاضر با تمرکز بر برنامه‌ی پنجم توسعه، در دو محور دفاعی و امنیتی به واکاوی و بررسی ظرفیت‌ها و توانایی‌های برنامه‌ی

پنجم توسعه می‌پردازد و در نهایت بهره‌ی سخن با بیانی کلی از مطالب به برخی از مسیرهایی اشاره می‌کند که تحقق آنها می‌تواند به کارایی سیاست‌های دفاعی در پرتو برنامه‌ی توسعه یاری رساند.

چارچوب نظری پژوهش

واقع‌گرایی تدافعی به مثابه رویکردی به سیاست دفاعی

بررسی رویکردها و سیاست‌های دفاعی کشورها در عصر حاضر با توجه به پیچیدگی امور، تعدد کنشگران تهدیدزا و رخداد تحول شگرف در مفهوم امنیت و چندوجهی شدن آن در گرو توجه به مجموعه‌ای از راهبردها و تاکتیک‌ها است که غالباً با هدف برنامه‌ریزی و مدیریت بهینه در قالب اسناد راهبردی میان‌مدت و بلندمدت تبلور می‌یابد. از سوی دیگر، باید در نظر داشت که اسناد راهبردی به عنوان منبع رجوع برای اتخاذ کلیات تصمیم‌گیری بازتاب دو روند هم‌زمان است. به عبارت دیگر، تکوین و شکل‌گیری این برنامه‌های کلان ماحصل دو فرایند است: اول، نقش و جایگاه یک کشور در نظام بین‌المللی (الزامات امنیتی) و دوم تصور یا ادراک رهبران آن کشور از وضعیت آن نظام بین‌المللی (تهدید یا فرصت‌زا بودن) و معطوف شدن روندهای آن به سوی کشور خود.

رویکرد رئالیسم نوکلاسیک در تفسیر تدافعی آن از جمله‌ی نظریاتی است که مسائل امنیتی کشورها را از دریچه‌ی فوق می‌نگرد. برخلاف تفاسیر تهاجمی نوکلاسیک‌ها از مقوله‌ی امنیت که فشار نظام بین‌المللی را بر تدابیر امنیتی کشورها اولویت بخشیده و تفاوت‌های داخلی کشورها را در این امر بی‌اهمیت قلمداد می‌کند نوکلاسیک‌های تدافعی به مسأله‌ی ادراک و تصور اهمیت داده و با اشاره به نایاب بودن امنیت بر این اعتقادند که مسأله‌ی امنیت تا حد بسیاری می‌تواند تحت تأثیر تصورات و برداشت‌های رهبران دولت‌ها از یکدیگر باشد (چرنوف، ۱۳۸۸: ۱۱۰؛ مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۱۳۳). به عبارت دیگر؛ در این تفسیر الزامات امنیتی و تبلور آن در راهبردها و اسناد امنیتی علاوه بر شرایط بین‌المللی به نگاه نخبگان به تهدیدات و

برداشت آنها از این مقوله باز می‌گردد. از دید «تالیافرو» مهم‌ترین مفروضات واقع‌گرایان تدافعی عبارت است از:

- ۱) **معمای امنیت:** که در این‌جا منظور شرایطی است که در آن تلاش یک دولت برای افزایش امنیت خود باعث کاهش امنیت دیگران می‌شود؛
- ۲) **ساختار ظریف قدرت:** در این حالت تغییری که در سطح نظام قرار نمی‌گیرد از ساختار سخت قدرت مهم‌تر است؛
- ۳) **برداشت ذهنی رهبران:** در این مفروض ادعا می‌شود که تأثیر ساختار (ساختار سخت قدرت) و قدرت مادی بر کنش دولت‌ها از طریق تصورات و برداشت‌های ذهنی رهبران ملی صورت می‌گیرد؛

۴) **توجه به عرصه‌ی سیاست داخلی** (Taliaferro 1999 به نقل از مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۱۳۳).

با توجه به این گزاره‌ها، مفروضات و نوع تعبیری که رئالیسم تدافعی ارائه می‌دهد می‌توان بیان کرد که اول، مقوله‌ی امنیت در گرو توجه به دو عامل هم‌زمان محیطی و داخلی می‌باشد. دوم این‌که این برداشت‌های نخبگان تصمیم‌گیری از محیط تهدیدزاست که در قالب اسناد و برنامه‌های کلان راهبردی ترجمه می‌شود و از این‌رو، توجه به الزامات و ضرورت‌های دفاعی و امنیتی نوین در بررسی میزان انطباق و پویایی اسناد و برنامه‌ها اهمیت می‌یابد و در نهایت این نوع برداشت از تهدیدات و محیط تصمیم‌گیری است که باعث ارائه‌ی پاسخ به تهدیدات شده و این امر در دفع یا بازتولید تهدیدات اثرگذار است.

ضرورت‌های دفاعی - امنیتی

تهدیدات و حوزه‌های نوین امنیتی

رویکردها و دیدگاه‌های کلان امنیتی حاکم بر روابط روابط کشورها در دوران جنگ سرد بستری را فراهم ساخته بود تا دولت - ملت‌ها آن چیزی را که از آن به مثابه امنیت ملی نام برده می‌شد در مقولاتی چون حفظ حاکمیت و تمامیت ارضی، منع مداخله‌ی خارجی، تأکید بر حاکمیت ملی و ضرورت ارتقای توانمندی‌های نظامی تعریف کنند (EUISS, 2010: 83). اما

فروپاشی شوروی به مثابه نمادی از آغاز دوران جدید در همراهی با روندهای مهم بین‌المللی همچون جهانی شدن و برجسته شدن نقش اقتصاد باعث شد تا نخست کنش گران جدیدی به فعالیت در حوزه‌ی روابط بین‌المللی پرداخته و از این جهت تکثر به وجه بارز دوران جدید سیاست بین‌الملل تبدیل شود و دوم این که فضا برای فعالیت خرده‌فرهنگ‌ها و هویت‌ها مساعد شد. علت این تحول مهم در کنار رفتن همان گفتمان‌های کلان امنیتی در زمینه‌ی دولت - ملت و بسط اندیشه‌ها و گفتمان‌های نوین در سطح خرد بود. پیامد مستقیم این وضعیت نیز چندگانه شدن مفهوم امنیت و خروج از تفکرات سنتی صرف نظامی بود.

شرایط مورد اشاره باعث شد تا دولت‌ها که همچنان خود را کنش‌گر اصلی می‌دیدند (نه به عنوان تنها کنش‌گر) در صدد مدیریت وضعیت در قالب همکاری و اجماع نظر برآیند. با این حال دامنه‌ی تکثر امنیتی آن‌چنان در حال افزایش بود که حرکت در قالب حکمرانی جهانی با تفاسیر سنتی و صرف دولت محور پاسخگوی آن نبود. در این وضعیت دو معضل حکمرانی بین‌المللی یا جهانی را با اختلال جدی مواجه می‌ساخت؛

اول در سطح کلان با وجود آن که کشورها به ضرورت اتخاذ رویکردهای نوین در مدیریت چالش‌های جدید پی برده بودند با این حال تداوم اصل منافع و قدرت‌محوری در رویکرد و جهت‌گیری کشورها باعث می‌شد تا معضل یا چالش امنیتی در ابعاد مختلف مورد استثنا واقع شود؛ به عبارت دیگر، در سطح کلان اگر در مورد موضوعی خاص هم‌چون تروریسم یا ضرورت مبارزه با مواد مخدر اجماعی اولیه شکل می‌گرفت، دامنه منافع یا قدرت‌محوری کشور یا کشورهایی خاص این الزام مواجهه را برنتابیده و بستر برای شکاف در اتفاق نظر و برخورد با چالش امنیتی به وجود می‌آمد.

دومین معضل فراروی حکمرانی جهانی به ساختارهای درونی کشورها و ارتباط خرده‌فرهنگ‌ها و هویت‌ها با یکدیگر باز می‌گردد. با از میان رفتن تهدیدهای ژئوپلیتیک فوری جنگ سرد و تضعیف اثرگذاری ایدئولوژی‌ها بر رویکرد نخبگان، خرده‌فرهنگ‌ها در قالب قومیت‌ها، قبایل، ادیان و یا گروه‌های زبانی با تقویت و ایجاد انسجام در لایه‌های درونی خویش دعاوی متفاوت از گذشته را مطرح کردند. افزایش مداخله در امور داخلی توسط سایر

کشورها در حمایت از این گروه‌های گریز از مرکز بر سستی و شکنندگی جوامع موجود دامن زده و باعث شد تا دولت یا دولت‌های مرکزی ناتوان از مدیریت بحران‌ها باشند. پیامد این وضعیت شکل‌گیری دولت‌هایی است که امروزه از آنها به عنوان دولت‌های شکننده یا ناکارآمد^۱ نام برده می‌شود. عدم توانایی این دولت‌ها در مدیریت مسائل مبتلابه جامعه‌ی خود، بحران‌ها را فراتر از سطوح داخلی ابعادی منطقه‌ای و بین‌المللی بخشیده و سیاست دفاعی و امنیتی سایر کشورها را نیز متأثر می‌کند (Kay, 2005: c7).

با تقویت این وضعیت، گفتمان مدرن امنیتی جایگزین نگاه‌ها و گفتمان‌های سنتی شد. در رویکردهای نوین امنیتی که پیش‌نیاز تدوین دیپلماسی دفاعی و امنیتی کشورها می‌باشد چند شاخصه‌ی مهم ظهور می‌یابد:

(۱) کاهش نقش دولت‌ها در مدیریت بحران‌ها و حرکت به سوی تحولات و جریان‌های جهان‌گرایانه؛

(۲) افزوده‌شدن وجه ایجابی امنیتی در کنار بعد سلبی آن که در این حالت امنیت صرفاً به معنای نبود تهدیدها نیست بلکه سطحی از اطمینان خاطر قوام‌بخش رویکرد دفاعی - امنیتی است؛

(۳) افزوده‌شدن مرجع داخلی تهدیدها به مراجع بیرونی تهدید؛

(۴) خارج شدن جغرافیای تهدید از عطف به جوامع و کشورهای بزرگ به سوی تمامی کشورها (ماه‌پیشانیان، ۱۳۸۴: ۱۴۲ - ۱۴۹؛ قوام، ۱۳۸۲؛ ماندل، ۱۳۷۹).

مجموعه‌ی این تحولات باعث شد تا با قرار گرفتن امنیت در سیر مفهومی متنوع نظامی، اقتصادی، فرهنگی و انسانی بستر برای تغییر در دیپلماسی دفاعی و امنیتی جوامع فراهم آید. در همین راستا، حوزه‌های عمومی جهانی^۲ اولین بُعد نوین از ضرورت‌های دفاعی - امنیتی است. اصطلاح حوزه‌های عمومی جهانی نخستین بار در سال ۱۹۸۷ توسط «آلفرد ماهان»^۳ در

1- Failed States

2- Global Commons

3- Alfred Thayer Mahan

کتاب نفوذ قدرت دریایی در تاریخ^۱ به کار گرفته شد. بعدها با بسط این مفهوم، حوزه‌ی عمومی جهانی به نواحی یا مناطقی اطلاق شد که در ذیل کنترل دولت خاصی نبوده و برای استفاده تمامی کشورها، سازمان‌ها و افراد در سراسر جهان آزاد است. دریا، هوا، فضا و حوزه‌ی سایبری مهم‌ترین حوزه‌های عمومی جهانی می‌باشند (Murphy, 2010: 30).

عبور تقریبی سالانه ۴۵۰۰۰ کشتی تجاری از دریاها که معادل ۹۰ درصد تجارت جهانی می‌باشد؛ استفاده‌ی سالانه ۴۰ درصد توریست‌ها از مسیرهای دریایی، حمل ۳/۵ تریلیون دلار کالا از فضای هوایی در سال ۲۰۰۷، انتقال ارتباطات، داده‌ها و تصاویر در فضای سایبری با ارزش اقتصادی معادل ۲۵۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۷ نمونه‌هایی از اهمیت این حوزه است که «باری پوزن»^۲ را واداشت تا تسلط بر این حوزه‌های مشترک را اساس و بنیان نقش رهبری‌کننده آمریکا بداند. از دید وی این حوزه به آمریکا اجازه می‌دهد تا مواضع قدرت جهانی هم‌چون قدرت اقتصادی و نظامی خود و متحدان را تقویت کند (Ibid: 30-31).

با وجود این اهمیت در حوزه‌های عمومی جهانی و تدوین رژیم‌های بین‌المللی برای مدیریت این حوزه‌ها^۳ عدم متابعت کشورها از قواعد کنوانسیون‌ها و نیز وجود خلا در برخی حوزه‌ها هم‌چون فضای سایبر زمینه را برای بروز تهدیدها نسبت به امنیت ملی کشورها فراهم آورده است. در حوزه‌ی دریایی، در فاصله‌ی سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۸ افزایش ۲۰۰ درصدی دزدی دریایی که جمهوری اسلامی ایران نیز در معرض آن بوده قابل اشاره است (McDonald, 2009). ابراز نگرانی محافل غربی از توان دریایی و موقعیت راهبردی ایران در بحث دریاها (Talmadge, 2008: 82) محور مهم دیگری است که ضرورت‌های دفاعی ایران را یادآور می‌شود. در حوزه‌ی فضای سایبری نیز در چند سال گذشته مباحث فراوانی مطرح شده است. فضای سایبری به‌عنوان حوزه‌ی بی‌نظیری از مناطق عمومی جهانی است که ساخته دست بشر می‌باشد. این حوزه، انتقال اطلاعات و داده‌ها را

1- The Influence of Sea Power Upon History

2- Barry Posen

۳- با وجود آن‌که در حوزه‌ی دریایی کنوانسیون حقوق دریاها (UNCLOS) قواعدی را برای مدیریت روابط در دریاها مشخص ساخته (همانند تعیین ۱۲ مایل دریایی به مثابه دریای سرزمینی) و یا در عرصه‌ی هوانوردی ارتفاع ۶۰۰ هزار پایی در ذیل حاکمیت دولت‌ها قرار گرفته در حوزه‌ی سایبری تاکنون قاعده‌ی مشخصی تدوین نشده است.

تسهیل کرده و دشواری عمده در کنترل و مدیریت آن تفوق مالکیت خصوصی و فردی بر آن است. گسترش یافتن روش‌هایی نظیر «نشانه خطا»^۱ در فضای سایبری که در ذیل آن شخص یا کنش‌گر نفوذکننده با اعمال روش‌هایی فنی و خاص ریشه و منشأ حمله‌ی سایبری را پوشانده و به انتقال اطلاعات محرمانه و جایگزینی اشتباه آنها مبادرت می‌کند (Markof & et al, 2010) گونه‌ای دیگر از تهدیدات است که تمامی جوامع و دولت‌ها با بسط فضای دولت الکترونیک با آن مواجه شده‌اند و همین امر بعضاً به شیوع جنگ‌هایی منجر گشته که از آن با عنوان جنگ‌های اطلاعاتی نام می‌برند (ماه پیشانیان، ۱۳۸۴: ۱۵۱-۱۵۵).

ضرورت مهم دفاعی دیگر، تعمیق تعارضات نامتقارن^۲ به ویژه تروریسم در سال‌های اخیر است.^۳ تروریسم به مثابه مجموعه‌ای از اقدامات کنش‌گران غیردولتی یا دولتی که از روش‌های توأم با خشونت برای رسیدن به اهداف سیاسی بهره می‌گیرند (Plano & Olton, 1999: 279) القای رعب و وحشت را به مثابه ابزار نیل به اهداف در نظر می‌گیرند. عوامل روان‌شناختی و بیولوژیک، فاکتورهای عقیدتی و ایدئولوژیک و عوامل هویتی مهم‌ترین ریشه‌های این تهدید نوین به شمار می‌رود (Reich, 1999: 4) که اثرات شدید و دهشتناک این پدیده که بعضاً مورد حمایت دولت‌ها نیز قرار می‌گیرد کشورها و جوامع در معرض آن را ناگزیر از توجه به پیامدهای آن کرده است.

گسترش پدیده‌ی قاچاق مواد مخدر، معضلات زیست محیطی و رقابت‌های تجاری از جمله‌ی دیگر تهدیدات نوین یا غیر سنتی امنیت^۴ می‌باشد که در سال‌های گذشته لزوم توجه به آنها در کنار مسائل امنیت سنتی ضروری و اجتناب‌ناپذیر شده است.

سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران

در کنار ضرورت‌های دفاعی - امنیتی نوین که دایره و شمولیت آن در حال گسترش می‌باشد، محور مهم دیگری که می‌تواند به مثابه یک میزان، انطباق‌پذیری برنامه‌ی پنجم توسعه

1- False Flag

2- Asymmetric Warfare

۳- پیرامون بسط و توضیح بیشتر در مورد تعارضات نامتقارن ن.ک. به:

Thronton 2007؛ Toft 2009؛ Hartman 2005

4- Non- Traditional Security Matters

جمهوری اسلامی ایران را با سرفصل‌های کلان بنمایاند، سند چشم‌انداز بیست ساله‌ی کشور در افق سال ۱۴۰۴ است. مهم‌ترین اصول و خطوط کلی مورد اشاره در سند چشم‌انداز که به نوعی مسیر کلی دیپلماسی دفاعی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران را نشان می‌دهد و از این جهت در نظر داشتن آن در تدوین برنامه‌های خرد ضروری به نظر می‌رسد عبارتند از:

(۱) **برقراری امنیت اجتماعی:** همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد با رخداد تحولات فرایندی نوین در کلیت نظام بین‌المللی هم‌چون جهانی‌شدن، مفهوم امنیت دچار دگرگونی خاصی شده است. این تحول و دگرگونی جنبه‌ها و سطوح گوناگون امنیت را در یک رابطه‌ی درهم تنیده با یکدیگر تعریف کرده و به همین جهت امنیت اجتماعی نمی‌تواند جدای از امنیت ملی یا مواضع دفاعی کشور باشد. وجود آرامش خاطر و ثبات مبنایی برای سرمایه‌ی اجتماعی است و این سرمایه خود بسترساز توسعه‌ی پایدار و پویاست. بنابراین، سیاست‌های دفاعی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران با این ملاحظات نیازمند نوعی برنامه‌ریزی مبتنی بر طرح‌های جامع جهت ارتقای امنیت همه‌جانبه می‌باشد.

(۲) **پیش‌رو در تولید علم و فناوری:** با پیشرفت خیره‌کننده‌ی دانش بشری و تبدیل شدن علم و آگاهی به یک منبع مهم قدرت، پیش‌گامی در تولید علوم و فنون متناسب با نیازهای کشور و منطبق با مقتضیات زمانی یک الزام و ضرورت غیرقابل انکار است. تولید دانش علاوه بر آن‌که زمینه‌های درونی تفکر مستقل را مهیا می‌سازد، می‌تواند به پیشرفت و خودکفایی در عرصه‌ی دفاعی و امنیتی منجر شود.

(۳) **سامانه‌ی دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه‌جانبه:** سیاست کلان جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌ی دفاعی از آغاز تا به امروز با اولویت دفاع، دفع تجاوز و احتراز از پیشگامی در حمله و مداخله بوده است. این رویکرد غالب باعث شده تا بازدارندگی به اصلی کلی در سیستم دفاعی کشور تبدیل شود. با این حال، تهدیدها و شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی ایران در مقطع فعلی ایجاب می‌کند تا بازدارندگی در منتهای عقلانیت و اعتبار دارای رویکردی همه‌جانبه و فراگیر باشد؛ به بیانی دیگر، سیستم

بازدارندگی ایران که اساس سامانه‌ی دفاعی کشور را مدنظر قرار می‌دهد بایستی تهدیدها به‌ویژه با مراجع بیرونی را در قالب یک شبکه دیده و از این جهت آنها را در کنار یکدیگر رصد و کنترل کند.^۱

۴) **جنبش نرم افزاری:** از نیازهای جدید هر نوع سیستم دفاعی - امنیتی بهره‌گیری از امکانات و دستاوردهای علمی روز جهت دفع تهدیدات است. بنابراین، در شرایطی که تمامی کشورها امور مبتنی بر برنامه‌ریزی و اجرایی خود را در قالب‌های جدید مورد تجزیه قرار داده‌اند سیاست دفاعی ایران نیز ناگزیر از بهره‌گیری از دستاوردهای جنبش فکری و تولید علم نوین برای ارتقا و بهبود ظرفیت‌ها و توانایی‌های خویش می‌باشد.

۵) **همگرایی اسلامی و منطقه‌ای:** با وجود این‌که مبحث همگرایی در کلیت آن رویکردی محوری برای سیاست خارجی کشور می‌باشد. اما با پذیرش مفهوم جدید از امنیت و شاخصه‌های پیش‌رو مطروحه در سند چشم‌انداز که سیاست دفاعی کشور را در اشکال نوین تعریف می‌کند، همگرایی چه در سطح کشورهای اسلامی و چه فراتر از آن علاوه بر کاهش هزینه‌ها می‌تواند توانایی بازدارندگی کشور را به سوی کلیت همه‌جانبه‌ی آن بیشتر رهنمون سازد. افزون بر آن، این رویکرد مهم می‌تواند با تعدیل مواضع کشورهای همسایه و هم‌کیش در عمل تهدیدات فوری متوجه کشور را کنترل و در ادامه به فرصت تبدیل کند.

۶) **تعامل سازنده و مؤثر با جهان:** اگر همگرایی در سطح منطقه واجد مزایای فوق باشد تعامل مؤثر و در عین حال سازنده با جهان که ضمن حفظ اصول اجازه بهره‌برداری از ظرفیت‌های نظم موجود را نیز دهد می‌تواند سیاست دفاعی و امنیتی ایران را با نوعی فراخ‌بال مواجه کند؛ فراغتی که حوزه‌ی اندیشه‌ورزی را گسترده و مجال بیشتری را به تقویت ظرفیت‌ها و زیرساخت‌ها می‌دهد.^۲

۱- در مورد الزامات بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران ن.ک. به: قاسمی ۱۳۸۸.

۲- اصول شش‌گانه مورد اشاره از «سند چشم‌انداز بیست ساله‌ی مصوب سال ۱۳۸۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام» استخراج شده است.

با ابلاغ سند چشم‌انداز بیست ساله‌ی کشور در سال ۱۳۸۲ و لزوم اجرایی‌شدن آن از سال ۱۳۸۴ انتظار بر آن است تا در قالب سیاست‌های کلی، اسناد خردتر نظیر برنامه‌های پنج ساله‌ای تنظیم شود تا اصول و جهات کلی عملکردی و اجرایی در بخش‌های گوناگون مشخص شود. به همین جهت، در راستای اجرایی‌شدن سند چشم‌انداز و درک میزان انطباق‌پذیری و ریشه‌های خطوط و اصول مندرج در برنامه‌ی پنجم، فهم سیاست‌های کلی این برنامه در بخش دفاعی - امنیتی الزام‌آور به‌نظر می‌رسد.

سیاست‌های کلی برنامه‌ی پنجم توسعه

با هدف ترسیم و ایجاد مسیری مشخص در تهیه برنامه‌ی پنجم توسعه‌ی کشور، در تاریخ ۱۳۸۷/۱۰/۲۱ سیاست‌های کلی برنامه‌ی پنجم توسعه در بخش‌های گوناگون فرهنگی، علمی - فناوری، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، دفاعی و امنیتی در قالب ۴۵ بند ابلاغ شد که مهم‌ترین خطوط آن در بخش دفاعی - امنیتی عبارت است از:

- **لزوم تقویت و حضور مشارکت مردم:** به‌نظر می‌رسد گنجاندن این اصل در قالب سیاست‌های کلی برنامه‌ی پنجم با هدف تأکید بر مردمی‌کردن هرچه بیشتر نهادهای دفاعی و مهیا ساختن آنها برای مواجهه و تقابل در برابر تهدیدات با آمادگی کامل باشد.
- **اعتلای شأن، موقعیت، اقتدار و نقش ایران در منطقه و نظام بین‌الملل:** علاوه بر وظیفه‌ی دستگاه سیاست خارجی در تحقق این سیاست کلی، ابزارهای در نظر گرفته شده در ذیل این مبحث به‌خوبی نشان‌گر ضرورت تقویت رویکرد جدید امنیتی در قالب دیپلماسی دفاعی می‌باشد. مقابله با افزون‌خواهی و اقدام متجاوزانه در روابط خارجی، تلاش برای رهایی منطقه از حضور نظامی بیگانگان و سازماندهی تلاش مشترک برای ایجاد مناسبات و نظامات جدید در راستای تأمین عدالت، صلح و امنیت جهانی شاخص‌های مهم این رویکرد می‌باشد (سیاست‌های کلی برنامه‌ی پنجم ۱۳۸۷: بند ۳۹).

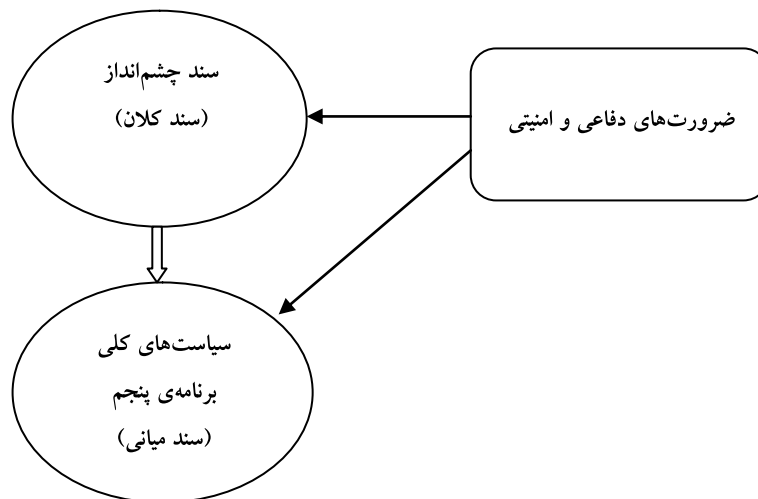
• **تحکیم و ارتقای امنیت پایدار، فراگیر و تضمین‌کننده‌ی اهداف و منافع ملی:** گنجاندن این اصل حاکی از تأکید مجدد بر تبدیل شدن امنیت و ثبات به پیش‌نیاز توسعه و پیشرفت است. ضرورت افزایش نقش مردم در پیشگیری از تحرکات ضدامنیتی؛ ایجاد سامانه‌ی یکپارچه‌ی نرم‌افزاری - اطلاعاتی، ارتقای حفاظت از اطلاعات رایانه‌ای و صیانت از فضای تبادل اطلاعات از مهم‌ترین محورهای مورد تأکید در ارتقای امنیت پایدار است (همان: بند ۴۲).

• **ارتقای توانمندی‌های دفاعی و قدرت بازدارندگی:** افزایش توان دفاعی و بازدارندگی به‌طور سنتی اهدافی چون حفظ حاکمیت، تمامیت ارضی، منافع و امنیت ملی و مقابله با تهدیدات خارجی را دنبال می‌کند. سیاست‌های کلی برنامه‌ی پنجم با افزودن محور ایجاد توازن منطقه‌ای تحقق این اهداف را در گرو ابزارهای مهمی همچون کسب دانش و فناوری‌های نو و نرم‌افزارهای پیشرفته‌ی دفاعی و نوسازی و بازسازی صنایع دفاعی، افزایش ضریب خودکفایی یا توسعه‌ی تحقیقات و بهره‌مندی از ظرفیت‌های صنعتی کشور؛ افزایش اهمیت حضور مردم در بحث امنیت و دفاع از کشور؛ گسترش پدافند غیرعامل و امنیت پایدار مرزها و کنترل مؤثر آنها می‌داند (همان: بند ۴۵).

بررسی محتوایی و بند به بند سیاست‌های کلی برنامه‌ی پنجم توسعه در بخش دفاعی - امنیتی نشانگر ارتباط وثیق و پیوسته آن با سند چشم‌انداز و تلاش‌های آن برای برآوردن اهداف کلان تر ترسیم شده در افق ۱۴۰۴ می‌باشد؛ به‌طوری‌که می‌توان اصول و خطوط مندرج در سیاست‌های کلی بخش دفاعی را در ذیل محورهای کلان سند چشم‌انداز به مثابه شاخص مفهوم‌سازی کرد. با این حال، با وجود وجه کلی این اسناد در اشاره به ضرورت‌های دفاعی - امنیتی نوین به خصوص در حوزه‌ی اطلاعاتی و فضای سایبر و شیوه‌ی مواجهه با آنها که فراتر از مباحث و رویکردهای نظامی سنتی با اصول و روش‌های نوخوانایی دارد (شکل شماره‌ی ۱) می‌توان ضمن پرداختن به میزان در نظرگیری این موارد در قانون برنامه‌ی پنجم به انطباق‌پذیری آن با اسناد بالادستی و ضرورت‌ها اشاره کرد.

جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری با موقعیت والای ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک از دیرباز در معرض تهدیدات گوناگونی قرار داشته است. این تهدیدات با مراجع بیرونی و درونی علاوه بر هزینه‌های فراوان، مسیر توسعه را نیز در مقاطعی با فراز و فرود مواجه ساخته است. این عامل باعث شده تا در قالب مدیریت یکپارچه فرایند توسعه، برنامه‌ها و اسنادی تنظیم و تدقیق شود که سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های کشور را در یک مجموعه کلی منسجم کند و هدف اصلی آن حفظ پیوستگی و مدیریت خطوط کلی توسعه و ارائه‌ی نگرشی جامع و مدون به آن است. در همین راستا، همانند سایر کشورها مراجع ذی‌ربط به تدوین اسنادی همچون سند چشم‌انداز بیست ساله و مجموعه برنامه‌های پنج ساله توسعه مبادرت کرده‌اند تا ضمن مشخص کردن خطوط کلی، اولویت‌ها نیز مدنظر قرار گیرد.

نوشتار پیش‌رو با اذعان به اهمیت روزافزون تدوین برنامه‌های کلی و جامع برای تحقق توسعه و پیشرفت همه‌جانبه‌ی یک کشور به دنبال بررسی ظرفیت‌ها و توانایی‌های برنامه‌ی پنجم پنج ساله‌ی توسعه در بخش دفاعی - امنیتی به مثابه یکی از پیش‌نیازهای مهم توسعه در سایر سطوح و حوزه‌هاست.



شکل شماره ۱: ضرورت‌های دفاعی - امنیتی و اسناد بالادستی قانون برنامه پنجم

قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران و سیاست دفاعی - امنیتی

در راستای اجرایی‌سازی اهداف سند چشم‌انداز توسعه‌ی کشور و به‌کارگیری سیاست‌های کلی برنامه‌ی پنجم، قانون برنامه‌ی پنجم توسعه با طول زمانی پنج ساله (۱۳۹۴ - ۱۳۹۰) بعد از تهیه و تدوین توسط قوه‌ی مجریه در تاریخ پانزدهم دی ماه سال ۱۳۸۹ در قالب فصل^۱ و ۲۳۴ ماده به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.

سیاست دفاعی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران در قالب فصل هفتم و مواد ۱۹۵ تا ۲۰۹ گنجانیده شده است که خطوط و اصول کلی آن را می‌توان در ذیل دو مبحث سیاست دفاعی و سیاست امنیتی مورد بررسی و بحث قرار داد.

سیاست دفاعی

خطوط و جهت‌گیری‌های کلی سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران در قالب قانون برنامه‌ی پنجم به طور بارزی در راستای تأمین نیازهای سستی و نوین دفاعی کشور و با انطباق با اسناد بالادستی از جمله سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی برنامه‌ی پنجم تدوین و تعیین شده است. مهم‌ترین شاخص‌های سیاست دفاعی در ذیل این برنامه عبارت است از:

(۱) تأکید بر ارتقای توانمندی‌های دفاعی

ماده‌ی ۱۹۵ و ۲۰۱ از این قانون، مجموعه‌ی دولت و به‌طور خاص وزارت دفاع را موظف ساخته تا در راستای تأمین منویات دفاعی کشور با هدف دفاع از حاکمیت، تمامیت ارضی، منافع و امنیت ملی و نیز مقابله مؤثر با تهدیدهای خارجی پیش‌بینی‌ها و اقدامات لازم را به انجام برساند. تأکید بر ایجاد زیرساخت‌ها برای مشارکت دستگاه‌های دولتی و بخش غیردولتی در برنامه‌ی دفاعی در شرایط بحرانی (بند چهارم، ماده‌ی ۱۹۵)، ارتقای کمی و کیفی سامانه‌ی پدافند هوایی کشور (بند ۲) با توجه به نیازهای بازدارندگی همه‌جانبه و اهمیت حوزه‌ی هوایی در تأمین امنیت پایدار کشور، تأکید خاص بر تقویت حضور و ارتقای

۱- این فصل عبارتند از: فرهنگ اسلامی- ایرانی، علم و فناوری، اجتماعی، نظام اداری و مدیریت، اقتصادی، توسعه‌ی منطقه‌ای، دفاعی، سیاسی و امنیتی، حقوقی قضایی و بودجه و نظارت می‌باشد.

زیرساخت‌ها به‌منظور گسترش حوزه و استقرار مؤثر در حوزه‌های آبی کشور و حفاظت از خطوط دریایی با تأکید بر آب‌های آزاد (بند ۲) با هدف پاسخ‌گویی به ضرورت‌های دفاعی نوین در بحث دریاها، بهره‌گیری از فرصت خدمت وظیفه‌ی عمومی برای تقویت مهارت و دانش نیروها و همچنین اهتمام به غنی‌سازی شغلی و ارتقای معیشت و منزلت اجتماعی نیروها مهم‌ترین محورها و ابزارهای در نظر گرفته‌شده در تأمین و نیل به اهداف است. این ابزارها با مواردی که در ادامه مورد اشاره قرار می‌گیرد به‌خوبی در راستای تأمین امنیت و انطباق‌پذیری مطمح نظر واقع شده است.

در ذیل تبصره ماده‌ی ۱۹۵، این قانون وزارت دفاع را به انجام اموری مکلف کرده که حاکی از یک نگاه بلندمدت و مسئولانه به امر دفاع و ضرورت انطباق با نیازهای روز است. اهمیت دادن به تقویت ناوگان هوایی از طریق خرید، بازسازی، نوسازی و نگهداری هواپیماها و بالگردها و ایمن‌سازی پروازها نخستین محور در این بخش است. اهمیت سامانه‌ی دفاعی و ضرورت ایجاد ایمنی در انتقال اطلاعات باعث شده تا این فرایند همگام با مراقبت پیشرفته در ابعاد راهبردی، فضایی، هوایی، دریایی و زمینی با هدف شناسایی تهدیدها و مقابله سریع و مؤثر با آنها مورد توجه قرار گیرد (معاونت برنامه‌ریزی ریاست جمهوری، ۱۳۸۹: ۱۹۶).

اهمیت توسعه‌ی انسانی در بخش دفاعی با هدف ایجاد تمرکز و افزایش روحیه منجر شده تا در ذیل تبصره‌ی پنجم ماده‌ی ۱۹۵ بر ارتقای کمی و کیفی سامانه رسیدگی، خدمات‌رسانی و حمایت از کارکنان نیروهای مسلح در مأموریت‌های دفاعی و امنیتی تأکید ویژه‌ای شود.

علاوه بر حفظ امنیت و ضرورت‌های دفاعی، در نظرگیری مسأله‌ی بازدارندگی همه‌جانبه باعث شده است تا ماده‌ی ۲۰۱ از قانون برنامه‌ی پنجم هوشمندسازی سیستم‌های دفاعی را اولویت بخشیده و از رهگذر پیش‌بینی اقدامات ذیل به دنبال تأمین و به‌روز رسانی آن باشد. این اقدامات عبارتند از:

- تقویت مؤلفه‌های بنیه‌ی دفاعی با تأکید بر مدرن‌سازی و هوشمندسازی تجهیزات و ساماندهی فرماندهی (بند الف)؛

- بهره‌گیری و بهبود فناوری‌های نوین و هوشمند در به‌کارگیری سامانه‌های الکترونیکی، هوا فضا، دریایی و پدافند هوایی (بند ب)؛
- نوسازی و بهبود صنایع دفاعی با رویکرد سیستمی و فرایندهای صنعتی نوین؛
- بهینه‌سازی و بهبود ساختارهای چابک و پاسخ‌گو در دفاع ملی؛
- حضور و استقرار متناسب با تهدیدها در حوزه‌های آبی کشور.

۲) نظام دفاعی دانش‌بنیان

مهم‌ترین محور گنج‌انیده شده در بخش دفاعی قانون پنجم توسعه افزایش توجه به زیرساخت‌ها و دانش‌محوری در تقویت نیروهای مسلح است. این موضوع علاوه بر آن‌که مورد توجه اسناد بالادستی بوده تا حد بسیاری تحت‌الشعاع الزامات دفاعی در عصر جدید است؛ الزاماتی که پاسخ‌گویی به آنها نیازمند تدقیق، تخصص و بهره‌گیری از دستاوردهای نوین علمی و دانش بشری است. به همین منظور، با تأکید بندهای (ز) و (ح) در ذیل ماده‌ی ۲۰۱^۱ و نکات مندرج در ماده‌ی ۱۹۷ مباحث مطروحه می‌تواند نقش بسیاری در ارتقای توان دفاعی و امنیتی کشور داشته باشد. مهم‌ترین این نکات عبارتند از:

- تخصیص اعتبار لازم برای تولید مواد حیاتی و کلیدی مورد نیاز صنایع دفاعی؛
- توسعه‌ی فناوری‌های نوین به‌ویژه در حوزه‌های ناوبری و اجزای دقیق، میکروالکترونیک، لیزر، اپتیک، نانو، زیستی، اطلاعات و ارتباطات، حساسه‌ها، ریزمکانیک‌ها و ساخت و پرتاب ماهواره‌ی امن و پایدار؛
- حمایت مالی و پشتیبانی از فعالیت‌ها و پروژه‌های تحقیقاتی مرتبط با امور دفاعی در دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی.

۱- در ذیل ماده‌ی ۲۰۱، بند (ز) بر ارتقای سطح دانش و مهارت کمی و کیفی نیروهای مسلح تأکید داشته و بند (ح) به ارتقای سطح آموزش، تحقیقات، فناوری در بخش دفاع و گسترش همکاری‌ها یا مراکز علمی دانشگاهی داخلی و خارجی توجه دارد (قانون برنامه‌ی پنجم ۱۳۸۹: ماده‌ی ۲۰۱).

۳) گسترش بسیج عمومی

ایجاد ارتباط میان بخش‌های دفاعی و لایه‌های مردمی علاوه بر ایجاد مشروعیت می‌تواند به تأمین پایدار نیروی انسانی و افزایش قدرت و توانایی‌های نظامی کشور منجر شود. از همین رو در قالب برنامه‌ی پنجم، دولت ملزم به انجام چند اقدام مهم شده است:

- پشتیبانی لازم برای افزایش حداقل یک و نیم میلیون نفر بسیجی فعال؛
- حمایت از زیرساخت‌ها برای توسعه‌ی نواحی شهرستانی بسیج و رده‌های مقاومتی؛
- پشتیبانی از رده‌های مقاومت بسیج و بسیج اساتید، دانشجوی و طلبه در دستگاه‌های اجرایی و فعالیت‌های پژوهشی و علمی؛
- پشتیبانی و کمک به مقابله با جنگ نرم در حوزه‌های مختلف با اولویت حضور فزاینده در فضای مجازی و رایانه‌ای با رویکرد بومی (معاونت برنامه‌ریزی ریاست جمهوری، ۱۳۸۹: ۱۹۶).

۴) تقویت پدافند غیرعامل

تغییر فرایند مبادرت به جنگ‌ها در قالب تحول در نسل‌های گوناگون^۱ و ویژگی‌های مختص هر یک از آنها باعث شده است تا همراه با این تحول، شیوه‌ی دفاع نیز متحول شود؛ چنان‌که اگر در دوره‌ای از زمان زدن ضربه‌ی اول در فرایند جنگی واجد اهمیت بود امروزه با پیشرفت فناوری‌های نظامی و انقلاب در امور نظامی^۲ مقاومت در برابر ضربات ناگهانی و تقویت ظرفیت‌ها برای زدن ضربه دوم واجد اهمیت شده است (Kay, 2005: 35). به همین جهت فرایند پدافند غیر عامل از اهمیت روزافزونی در سیاست‌های دفاعی کشور برخوردار شده است. این نوع از پدافند هم‌زمان با دگرگونی و تغییر نسل جنگ‌ها متحول شده و امروزه اقدامات انجام شده در ذیل آن در چند قالب معرفی می‌شود:

- اقدامات مدیریتی با هدف کاهش آسیب‌پذیری از طریق طرح‌ها، تدابیر و آیین‌نامه‌ها؛
- اقدامات فناورانه با به‌کارگیری فناوری‌ها و بهره‌مندی از خلاء فناوری در دشمن؛

۱- برای آشنایی با ویژگی‌های نسل‌های گوناگون جنگ‌ها به طور اجمالی بنگرید به: جلالی، ۱۳۸۹؛ Phelan 2011
2- Revolution in Military Affairs (RMA)

- اقدامات استحکامی همانند ایجاد استحکامات و ایمن‌سازی سازه‌ها؛
- اقدامات مهندسی و فنی همانند بهره‌گیری از اصول فنی و مهندسی در طراحی اولیه‌ی زیرساخت‌ها و سازه‌ها؛
- اقدامات نرم‌افزاری که عمدتاً شامل تاکتیک‌های نظامی غیرمسلحانه همانند عملیات روانی، حفاظت اطلاعات، خدعه و نیرنگ، ایجاد رعب بین عناصر دشمن و فریب راهبردی و تاکتیکی (جلالی، ۱۳۸۹: ۲۲۱).

گسترده‌گی و تنوع موجود در این اقدامات در کنار پیچیدگی تاکتیک‌های نظامی در راستای اجرایی شدن پدافند غیرعامل باعث شده است تا در قالب نهادهای بوروکراتیک، کمیته‌ی پدافند غیرعامل و تا حدی سازمان مدیریت دست‌اندرکار تدوین برنامه‌ها و راهکارهای مناسب شوند. با اهمیت یافتن پدافند غیرعامل، ماده‌ی ۱۹۸ قانون برنامه‌ی پنجم توسعه، این مهم را ملحوظ داشته و «به‌منظور کاهش آسیب‌پذیری و زیرساخت‌ها، ارتقای پایداری ملی، حفاظت از مردم و منابع ملی کشور و تضمین خدمات به آنان در راستای تکمیل چرخه‌ی دفاع غیرنظامی» اقداماتی همانند تدوین استانداردهای فنی مورد نیاز، ایجاد سامانه‌ی پایش، هشدار و خنثی‌سازی تهدیدات نوین در مراکز حیاتی، حساس و مهم و ایمن‌سازی و حفاظت از مراکز حیاتی، حساس و مهم کشور برای تداوم فعالیت امن و پایدار آنان را لازم می‌شمارد. با این حال، با توجه به مضمون تبصره‌ی ماده‌ی ۱۹۸ و ماده‌ی ۱۹۹ و بند (ک) از ماده‌ی ۲۰۱ برنامه‌ی پنجم به نظر می‌رسد جزئیات و طرح‌های تکمیلی در خصوص پدافند غیرعامل به نهادهای ذی‌ربط محول شده تا متناسب با شرایط و مقتضیات تصمیم‌گیری شود.

۵) توزیع و پراکندگی سازکارهای دفاعی

شرایط نوین جنگی و ضرورت کاهش آسیب‌پذیری و تلفات غیرنظامی ایجاب‌کننده رویکردی جدید در مباحث دفاعی بوده است. در این مبحث در شیوه‌های نوین دفاعی تلاش می‌شود تا پراکندگی مناطق نظامی به‌گونه‌ای طراحی شود تا در عین کاهش هزینه‌ها بیشترین ضریب امنیتی حاصل شود. بر همین اساس، ماده‌ی ۲۰۲ از قانون برنامه‌ی پنجم دولت و به‌طور

خاص وزارت دفاع را ملزم کرده تا با در نظرگیری تسهیلات گوناگون در بخش‌های بانکی و زمین نسبت به طرح جامع نحوه‌ی استقرار نیروهای مسلح در سطح کشور متناسب با اندازه و نوع تهدیدات و شرایط زیست‌محیطی به منظور رعایت پراکندگی در استقرار تأسیسات حساس و حیاتی و صنایع دفاعی و همچنین انتقال پادگان‌های مراکز نظامی و کارخانه‌های بزرگ صنعتی دفاعی از شهرهای بزرگ مبادرت کند (قانون برنامه‌ی پنجم توسعه، ۱۳۸۹: ماده‌ی ۲۰۲).

بررسی محتوایی اصول و خطوط مندرج در برنامه‌ی پنجم توسعه پیرامون الزامات دفاعی کشور بیان‌گر تحول و پیشرفت قابل توجه در انطباق با شرایط زمانی و نیازهای روز می‌باشد. با وجود آن‌که محدودیت‌های گوناگون داخلی و بین‌المللی در مسیر پیشرفت صنایع و دیپلماسی دفاعی کشور مشهود است، اما نباید از برنامه‌ریزی‌های مدون غافل شد. با وجود این ظرفیت‌ها، به‌نظر می‌رسد محدودیت‌های مورد اشاره هنوز سامانه‌ی دفاعی کشور را در سطح خرد نگاه داشته و اجازه‌ی ارائه‌ی یک نگاه جهان‌شمولانه در حوزه‌های عمومی جهانی را در ابعاد پیشرفته‌تر نداده که این امر نیز با توجه به اقدامات در حال انجام فعلی به‌ویژه در بحث هوا - فضا و ماهواره در یک فرایند میان‌مدت زمانی می‌تواند در پرتو عقلانیت و برنامه‌ریزی مدون به شکوفایی و پیشرفت قابل ملاحظه نائل آید.

سیاست امنیتی

درنوردیده شدن مرزها و افزایش فرایند ارتباطات جهانی افزون بر پیامدها و شاخصه‌های مثبت و سودمند برای بشر مهم‌ترین آثار خود را بر حوزه‌های دفاعی و امنیتی جوامع نهاده است. با وجود آن‌که گسترش این دامنه برای کشورها واجد مزایا بوده و ارتباطات و مبادلات آنها را در حوزه‌های گوناگون بسط بخشیده با این حال تأکید مستمر دولت‌ها بر حاکمیت و شاخصه‌های بومی باعث شده تا حفظ امنیت پایدار و دفع منابع تهدید همچنان واجد اهمیت و درخور توجه باشد. در کنار این مهم، امروزه فرایندهای در حال ظهور، نظیر جهانی‌شدن تفاوت و تمایز جدی میان مراجع تهدید در داخل و خارج از جوامع را از بین برده است؛ به بیانی دیگر، رویکردهای دفاعی و سیاست‌های امنیتی کشورها جدا از یکدیگر نبوده و بعضاً مراجع ایجاد تهدید از

مسیرهای متفاوت ارسال‌کننده‌ی سیگنال‌های تهدید یکسانی هستند که مواجهه و تقابل همه‌جانبه‌ی دفاعی - امنیتی در این حالت مدنظر قرار می‌گیرد (Mundy, 2011: 280).

با در نظر گرفتن این محورها و نیز ضرورت درک و انطباق‌پذیری با الزامات دفاعی - امنیتی در عصر جدید و پاسخ‌گویی به منویات اسنادی همچون سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلان برنامه‌ی پنجم، قانون پنجم توسعه در مقیاسی پیشرفته‌تر مباحث امنیتی، شیوه و ابزارهای مقابله با آنها را مورد توجه قرار داده است. نگاهی به مواد مندرج در بخش امنیتی کاملاً گویای ادعای مورد اشاره در این نوشتار است که اولاً سیاست‌های امنیتی با مراجع درونی پیش‌نیاز ثبات لازم برای توسعه‌ی پایدار و فراگیر است و دیگر آن‌که مباحث دفاعی و امنیتی در پیوندی ناگسستگی از یکدیگر قرار گرفته‌اند؛ به‌طوری که موفقیت در گزینش راهبردهای امنیتی پیش‌رو می‌تواند زمینه‌ساز یک دیپلماسی دفاعی موفق در شرایط آرامش خاطر و ثبات باشد و به‌طور متقابل یک دیپلماسی پویا، مجهز و با برنامه‌ی جامع و آینده‌نگر می‌تواند به‌عنوان عامل تسهیل‌گر و تجهیز‌کننده‌ی شاخص‌های امنیتی کشورها تلقی شود. به همین جهت در بررسی مواد ذکر شده در قانون برنامه‌ی پنجم توسعه در ارتباط با سیاست‌های امنیتی، موضوعاتی از دید این نوشتار واجد اهمیت بوده که در یک رابطه‌ی هم‌افزا^۱ و تعاملی با سیاست‌های دفاعی کشور قرار داشته‌اند. مهم‌ترین شاخص‌های امنیتی مطروحه در قانون برنامه‌ی پنجم عبارت است از:

۱) امنیت پایدار در مناطق مرزی

جایگاه ژئوپلیتیک ایران از دیرباز به مثابه‌ی شمشیری دو لبه برای نظام‌های سیاسی حاکم بر این کشور بوده است. این جایگاه از یک طرف در صورت مدیریت صحیح و بهره‌برداری مناسب از آن مبنی بر برنامه‌ریزی و طرح‌های جامع یک فرصت بوده که می‌توانسته به ارتقای منزلت کشور منجر شود. از سوی دیگر، عدم درک الزامات منطقه‌ای و جایگاه کشور در آن، این موقعیت را به عنوان تهدیدی مستقیم درآورده است. هم‌جواری با زیر سیستم‌های متعدد از جمله حوزه‌ی خلیج فارس، آسیای مرکزی و اوراسیا، خاورمیانه‌ی عربی و ارتباط مستقیم با اروپا از طریق ترکیه باعث

شده تا در نتیجه تحمیل الزامات سیستمی (Hunter, 2010: xi) مرزهای ایران همواره در معرض تهدید قرار گیرد؛ مرزهایی که به‌طور مستقیم عدم کنترل آنها به تقویت مراجع درونی تهدید منجر شده است. از طرف دیگر، برخلاف بسیاری از کشورها ژئوفیزیک مرزهای ایران از تنوعی خارق‌العاده برخوردار است که علاوه بر فرصت‌زا بودن دفع تهدیدها آن را نیز دشوار کرده است. وجود مرزهای عظیم دریایی در جنوب و شمال کشور و بخش‌های کوهستانی و بیابانی در نواحی شرقی و غربی منادی تنوعی از مرزها بوده که در همراهی با گوناگونی قومی ساکن در آنها کنترل و مدیریت آنها را فراتر از رویکردهای کوتاه‌مدت نیازمند برنامه‌های جامع و بلندمدت کرده است.

قانون برنامه پنجم توسعه با اذعان به اهمیت مناطق مرزی و ثبات آن‌ها در فرآیند توسعه کشور «در راستای تأمین امنیت پایدار و کنترل موثر مرزها» در اقدامی مبتکرانه خواستار تهیه طرح جامع امنیت پایدار مناطق مرزی از طریق مساعی و تلاش نهادهای ذی‌ربط^۱ شده است (قانون برنامه‌ی پنجم ۱۳۸۹: ماده‌ی ۲۰۳). از دید قانون پنجم توسعه این طرح جامع بایستی شامل «کنترل، مدیریت، حریم امنیتی، اقدامات عمرانی، انسدادی، اطلاعاتی، علمی، تجهیزاتی، فرهنگی و اجتماعی، اقتصادی تقویت مرزبانی، به‌کارگیری بسیج و نیروی مردمی» باشد (تبصره‌ی ذیل ماده‌ی ۲۰۳). بنابراین، طرح جامع امنیت پایدار دارای دو ویژگی مهم از دید این قانون است:

- اولین ویژگی این طرح ارائه‌ی رویکردی جامع در مدیریت مرزهاست. برخلاف تفکر سنتی در کنترل و مدیریت مرزها که بهره‌گیری از اقدامات سخت‌افزاری و مواجهه‌جویی را مد نظر دارد در این طرح برقراری امنیت پایدار در گرو توجه به علل ناامنی است. با وجود این‌که تهدید در نواحی مرزی عمدتاً دارای مرجع خارجی است، اما نابسامانی و وضعیت نامناسب گروه‌ها و اقوام ساکن در این نواحی خود در تشدید ناامنی مؤثر است. زمانی که مرزنشینان از خدمات عادلانه‌ی نظام مرکزی

۱- مهم‌ترین نهادهای ذی‌ربط در تهیه این طرح از دید ماده‌ی ۲۰۳ قانون برنامه‌ی پنجم وزارت کشور است که با همکاری وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی، دادگستری، اطلاعات و نیروی انتظامی و سایر وزارتخانه‌ها و نهادهای مرتبط به این امر مباردت می‌کنند.

بهره‌مند شوند و توزیع متناسب در سطح کشور انجام گیرد طبیعی است که نه تنها علقه‌های آنها به حفظ مرزها تشدید شده، بلکه خود با احتراز از اقدامات ناامن‌کننده در راستای تأمین ثبات خواهند کوشید. بنابراین، ملاحظات مندرج در ماده‌ی ۲۰۴ قانون که بر «ارتقا و تقویت اقتصاد و معیشت مرزنشینان» تأکید داشته و دولت را موظف می‌کند تا در راستای «حمایت مالی و حقوقی لازم در استقرار صنایع و شکل‌گیری تعاونی‌های مرزنشینان و حق بهره‌برداری از زمین‌های مستعد کشاورزی و استفاده حداکثری از منابع طبیعی و گردشگری» عمل کند تأکیدی است ضمنی از جانب آن قانون بر احتراز از معلول‌نگری و توجه جامع به امنیت پایدار.

- دومین ویژگی مهم این طرح افزایش توجه به عامل دیگر تهدیدکننده مرزها یعنی کشورهای همسایه است. گرچه ماده‌ی ۲۰۳ و ۲۰۴ قانون پنجم توسعه بر ضرورت توجه به امنیت پایدار در مناطق مرزی از رهگذر تقویت مرزنشینان اشاره داشته اما تبصره‌ی ذیل ماده‌ی ۲۰۴ با اشاره به «افزایش مرادوات اقتصادی - اجتماعی با کشورهای همسایه» در عمل به شناسایی و ضرورت برنامه‌ریزی جامع در مورد کنترل و مدیریت تهدیدات سرازیر شده از کشورهای همسایه می‌پردازد. وضعیت نامناسب اقتصادی و اجتماعی موجود در کشورهای همسایه به‌ویژه همسایگان شرقی و تا حدی عراق از گذشته عامل مهم در ناامنی مرزها و بروز تهدیدات جدی دیگر از جمله قاچاق مواد مخدر، قاچاق کالا و تروریسم بوده است. بنابراین، تدوین خطوط مشی برای همکاری اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی با این کشورها با تمرکز بر نواحی مرزنشین می‌تواند موقعیت تهدیدزای این مناطق را به فرصتی در خدمت توسعه‌ی کشور تبدیل کند.

۲) مقابله با تهدیدات اطلاعاتی

با گسترش شبکه‌ها و خطوط انتقال اطلاعات و کاربرد آن در انجام وظایف و کارکرد نهادهای رسمی، حفظ امنیت این خطوط بسیار مهم شده است، زیرا هرگونه اختلال یا سرقت

اطلاعاتی می‌تواند به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم امنیت کشور یا نهادهای مرتبط را در معرض تهدید قرار دهد. در همین راستا، بر اساس مواد ۲۰۵ و ۲۰۶ قانون برنامه‌ی پنجم توسعه «تقویت تعامل با جامعه‌ی اطلاعاتی و پیش‌گیری و مقابله با تهدیدات و تهاجم اطلاعاتی و امنیتی» مرتبط با دفاع از حاکمیت و منافع ملی دانسته شده و با در نظرگیری محورهای همچون افزایش کمی و کیفی زیرساخت‌های اطلاعاتی پیشگیری و مقابله با فساد و اختلال در امنیت اقتصادی، جرایم سازمان‌یافته ضدامنیتی، اقدامات تروریستی و تهدیدات نرم امنیتی و ایجاد و گسترش زیرساخت‌ها و سازوکارهای لازم برای مشارکت مردم در تأمین امنیت پایدار سعی در تقابل و مواجهه با آن می‌باشد. علاوه بر آن، در سطح داخلی و در راستای جلوگیری از اشتباه منجر به تبدیل آن به تهدید تلاش گشته تا با ارائه‌ی پیشنهادهایی همچون تهیه طرح بانک جامع اطلاعاتی کشور، در اختیار قرار دادن بانک‌های رقومی توسط دستگاه‌های دولتی، تهیه طرح نظام ملی تعیین صلاحیت امنیتی مشاغل و اجرای طرح مبارزه با بیوتورریسم، مراجع خودی و درونی در نشت و خروج اطلاعات مدیریت شود (معاونت برنامه‌ریزی ریاست جمهوری، ۱۳۸۹: ۲۰۱-۲۰۲).

۳) امنیت در فضای سایبر

تأمین امنیت در این حوزه‌ی عمومی جهانی واجد پیوندی ناگسستنی با تهدیدات اطلاعاتی است. به‌طور کلی فضای سایبر از دو جهت با فرایندهای امنیتی مرتبط می‌شود؛ اول از طریق تبدیل شدن آن به مخازن و مراجع اطلاعاتی کشورها و دوم افزایش ارتباط میان مراجع تهدید برونی با مراجع درونی و در نتیجه‌ی عملکرد به مثابه ابزار تهدید با جنگ نرم (Murphy, 2010: 40-41). بنابراین، فضای سایبر در عصر کنونی علاوه بر آثار مثبت در تسهیل زندگی بشر، بعضاً در نتیجه‌ی تفوق دیدگاه‌ها و رویکردهای منفعت محور به مثابه ابزار تهدید نیز درآمده است. با این حال، همان‌طور که «مورفی» (۲۰۱۰) اشاره می‌کند، برخلاف سایر حوزه‌های عمومی جهانی که حداقلی از رژیم‌سازی برای آنها صورت پذیرفته در فضای سایبر به دلیل ماهیت مالکیتی حاکم بر آن که عملاً خصوصی بوده و ردیابی آن با توجه به تاکتیک‌های پیشرفته دشوار است نه تنها رژیم‌سازی

سخت و مستلزم برنامه‌های کلان و جامع بین‌المللی می‌باشد، بلکه ایجاد التزام در اشخاص و گروه‌ها نیز در این عرصه تقریباً غیر ممکن است.

با این حال، در چند سال گذشته و هم‌زمان با تقویت جایگاه دولت الکترونیک در جمهوری اسلامی ایران ضرورت اتخاذ تدابیر عملی و مداوم و نه مقطعی ایجاد کرده تا علاوه بر قانون مدنظر دستگاه‌های قضایی، برنامه‌ی جامع و کلانی برای مدیریت این حوزه در سطح دفاعی و امنیتی در نظر گرفته شود. به همین منظور، قانون برنامه‌ی پنجم توسعه علاوه بر بخش اطلاعاتی، در ذیل ماده‌ی ۱۹۶ (بند هـ) «پشتیبانی و کمک به مقابله با جنگ نرم در حوزه‌های مختلف با اولویت حضور فزاینده در فضای مجازی و سایبری» را مدنظر قرار داده و با افزودن تقویت «رویکرد بومی» در این زمینه به دنبال بهره‌گیری از آن در راستای منافع ملی کشور بوده است. از دید این نوشتار هر چند با توجه به نوپا بودن این حوزه‌ی عمومی جهانی اندیشیدن تدبیر و خطوط کلی در مقطع فعلی برای مقابله با این دسته از تهدیدات دشوار نیازمند تدقیق و مطالعه است، اما با در نظرگیری حداقلی، این برنامه در بخش دفاعی - امنیتی می‌توانست جایگاه بیشتر و مناسب‌تری را به این حوزه‌ی مهم اختصاص دهد.

علاوه بر حوزه‌ی مورد اشاره در بخش دفاعی و امنیتی، در سال‌های اخیر با چند وجهی شدن تهدیدها و مراجع مختلف درونی و بیرونی، ضرورت‌های دفاعی و امنیتی کشور ایجاد می‌کرد تا به تهدیدها جدید توجه بیشتری صورت گیرد. با وجود این‌که این قانون یک برنامه‌ی کلی بوده و هدف آن ترسیم چشم‌انداز پنج‌ساله‌ی فعالیت کشور است و برخی دیگر از تهدیدها از جمله قاچاق مواد مخدر، کالا و ارز را در ذیل ماده‌ی ۲۰۷ به‌طور مجمل مورد اشاره قرار داده، اما به‌نظر می‌رسد با وجود تمام نکات مثبت و پیشرفت در ترسیم چشم‌اندازهای دفاعی - امنیتی هنوز به آن سطح از درک شرایط نوین و تعاریف جدید آن نرسیده است، زیرا تهدیدهای نوین هم‌چون تهدیدات سایبری، قاچاق مواد مخدر، کالا و ارز و نیز تهدیدات زیست‌محیطی مورد اشاره حداقلی قرار گرفته است.

ضرورت‌های دفاعی و برنامه‌ی پنجم: ارزیابی

با وجود آن‌که این نوشتار در اساس مدعی است که برنامه‌ی پنجم توسعه از حیث پردازش به منویات برنامه‌های کلان یا اسناد بالادستی در مقایسه با گذشته برنامه‌ای تقریباً پیش‌رو به شمار می‌رود، اما اشاره‌ی آغازین این مقاله به ضرورت‌های دفاعی - امنیتی نوین که به‌طور تقریبی و عام، امر مشترک غالب جوامع بشری در مقطع کنونی محسوب می‌گردد از یک طرف و تهدیدات فزاینده‌ی فراروی امنیت ملی ایران از طرف دیگر باعث می‌شود تا نکاتی که به‌طور پراکنده در متن به مثابه وجوه ضعف مورد اشاره قرار گرفت با صراحت و جامعیت بیشتری مورد اشاره قرار گیرد. مهم‌ترین این نکات عبارت است از:

۱) فقدان ارتباط وثیق و منسجم میان امنیت اجتماعی و امنیت ملی کشور: علی‌رغم

این که برنامه‌ی پنجم در بخش رویکردهای امنیتی و دفاعی تلاش کرده تا مراجع درونی و برونی تهدیدها را مورد اشاره قرار داده و مسیرهایی را برای مقابله با آنها بنمایاند. اما به‌نظر می‌رسد پیش‌نیاز تحقق این امر - ارائه‌ی نگاهی مبتنی بر سیر شبکه‌ای تهدیدها - را مغفول گذاشته است؛ به بیانی دیگر، در شرایط جهانی شدن ارتباط محکمی بین تهدیدها امنیت داخلی (مراجع اجتماعی تهدید) با امنیت ملی کشور به‌ویژه در سطح خارجی برقرار نشده است.

۲) فقدان برنامه‌ای سازمان‌یافته برای مقابله با تهدیدهای سایبری: برخلاف گذشته،

تهدیدها صرفاً واجد وجه مادی و عینی از طریق فرایندهای تخریب و توسل به شیوه‌های قدرت سخت نمی‌باشند، بلکه به موازات گسترش فضای مجازی و وسایل ارتباط جمعی، فضای تهدید همراه با فضای فرصت برآمده از آن پیش‌روی فرایند تصمیم‌گیری مقامات و نخبگان کشورها قرار گرفته است. همراهی مقوله‌ی فرصت با تهدید در فضای سایبر مبین این وجه می‌باشد که دفع تهدیدها و معتنم شمردن فرصت‌ها در گرو برنامه‌ریزی دقیق و بهره‌گیری از کارشناسان ورزیده در این حوزه است که برنامه‌ی پنجم با وجود اشاره به این نوع تهدید از ارائه‌ی رویکرد و برنامه‌ای دقیق بازمانده است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹: ۲-۳).

۳) **کاستی‌های امنیت غیرستتی:** برخلاف بسیاری از کشورها، حوزه‌ی ژئوپلیتیکی ایران به شدت مستعد تهدیدهایی چون قاچاق مواد مخدر، قاچاق کالاها و در سطحی خردتر مسائل زیست محیطی است. برنامه پنجم توسعه با وجود اشاراتی که در این حوزه‌ها داشته به نظر می‌توانسته فعال‌تر و با جزئیات بیشتری به این مقولات بپردازد.

۴) **عدم اهتمام ویژه به حوزه‌های عمومی مشترک و مسأله‌ی تروریسم:** توجه به حوزه‌های عمومی مشترک در قلمرو آب‌های آزاد و نیز فضا تقریباً توسط تمامی کشورها امری لازم شمرده می‌شود، زیرا محدود کردن تأمین حوزه امنیت به مرزهای سرزمینی به هیچ وجه با تعابیر نوین امنیتی به خصوص امنیت پایدار خوانایی ندارد. همانند این حوزه، محور تروریسم نیز به دلیل فرامرزی بودن ملازمه‌ی خاصی با برقراری امنیت و جلوگیری از بی‌ثباتی دارد. اهمیت فزاینده‌ی این دو مقوله‌ی مهم در مقطع فعلی به‌ویژه برای جمهوری اسلامی ایران ایجاب می‌کند تا بخش‌های بیشتری به این حوزه برای دفع تهدیدها و بهره‌گیری از فرصت‌ها اختصاص داده می‌شود.

هر چند موارد فوق به صورت نمونه مورد اشاره قرار گرفت، نباید از یاد برد که در مقابل، برنامه‌ی پنجم با اشاره‌های متعدد به موضوعاتی محوری همانند یکپارچه‌سازی سیاست‌ها و فعالیت‌های مرتبط با توسعه‌ی سامانه‌های پدافند هوایی کشور، توجه به توسعه منطقه‌گرایانه امنیتی - دفاعی و ارتباط آن با وجه رسانه‌ای (همان: ۸)، دفاع دانش‌بنیان، طرح جامع امنیت پایدار در مناطق مرزی، تأکید بر پراکنده‌سازی سازوکارهای دفاعی و افزایش اهمیت توسعه‌ی انسانی در ارتقای توانمندی‌های دفاعی کشور که نگاهی جدید به مبحث سرمایه اجتماعی است دارای ظرفیت‌های مناسب و درخور توجهی در بخش دفاعی - امنیتی می‌باشد.

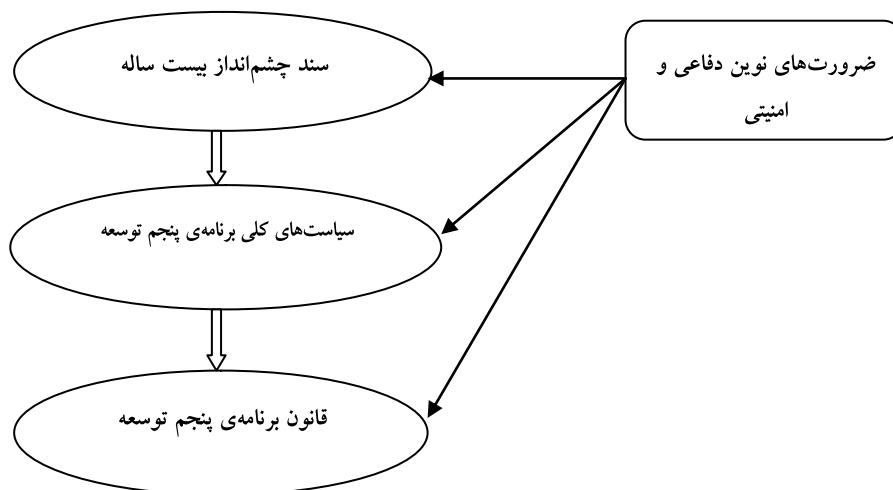
نتیجه‌گیری

وجود اسناد بالادستی در اداره و حکمرانی نظام سیاسی یک کشور نمی‌تواند متضمن اجرایی شدن طرح‌ها و نیل به اهداف باشد. بنابراین، نظام‌های سیاسی تلاش می‌کنند در بحث امنیت بنا به درک خود از تهدیدهای برون‌ی (حوزه‌ی ساختاری) و درونی - همان‌گونه که رئالیست‌های

تدافعی به آن اشاره می‌کنند- با پیش‌بینی اسناد و قوانین جدید فروتر از قانون اساسی همانند برنامه‌های کوتاه مدت پنج ساله، قوانین و دستورالعمل‌هایی را تهیه کنند تا امورات کشور و روند توسعه‌ای آن در مدار برنامه‌ریزی و آینده‌نگری حرکت کند. در بخش دفاعی - امنیتی نیز با وجود پیش‌بینی‌های قانون اساسی، سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی، لزوم اندیشیدن تدابیر عینی تر باعث شده تا در قالب برنامه‌های پنج ساله خطوط مشی و سیاست‌ها مد نظر قرار گیرد. این نوشتار با تمرکز موضوعی بر جایگاه سیاست‌های دفاعی و امنیتی کشور در قالب برنامه‌ی پنجم توسعه و با هدف بررسی میزان انطباق مواد ترسیمی در این قانون با ضرورت‌های نوین دفاعی و نیز اسناد بالادستی همچون سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی برنامه‌ی پنجم به این مسیر رهنمون گشت که برنامه‌ی پنجم به‌طور نسبی تهدیدات دفاعی و امنیتی و شیوه‌های مواجهه با آن را مورد توجه قرار داده هر چند که بیش از این می‌توانست ترسیم‌گر و بازتاب تهدیدات نوین در درون خود باشد و از این جهت شیوه و خطوط کلی دفاعی و امنیتی کشور را تا پنج سال آینده نمایانده است (شکل شماره‌ی ۲). هر چند که نمی‌توان این مهم را نادیده گرفت که ضرورت حرکت و تدوین برنامه بر اساس اسناد بالادستی یکی از محدودیت‌ها در برابر قانون برنامه‌ی پنجم توسعه کشور در درک تام و کمال شاخص‌های دفاعی روز بوده است.

گرچه برنامه‌ی پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران - همان‌طور که اشاره رفت- در بیان جزئیات و اشاره به تهدیدهای دفاعی و امنیتی کشور با در نظرگیری سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی برنامه و عطف به ضرورت‌های نوین به نسبت از فراگیری برخوردار است؛ اما به نظر می‌رسد تحقق واقعی امنیت پایدار موعود در برنامه به مثابه تسهیل‌گر توسعه‌ی کشور در گرو اجرایی‌شدن مواد مندرج در برنامه، توجه عینی به تهدیدها روز که در فرصت‌های مختلف روزآمد می‌شوند، تصویب قوانین کارآمد در قالب طرح‌ها و لوایح مصوب مجلس، ارتباط بیشتر میان مراکز تحقیقاتی دفاعی با دانشگاه‌ها و بهره‌گیری از ایده‌های نو و مبتکرانه، ارائه‌ی رویکردی تطبیقی در امر دیپلماسی دفاعی با توجه به تجربه‌ی سایر کشورها به‌ویژه نمونه‌های موفق جهان در حال توسعه، تصحیح تفکر عمومی از مقوله نظامی‌گری و نقش آن

در سایر بخش‌ها و اهتمام در ایجاد ارتباط توأم با انسجام میان امر دفاع و امنیت با سازندگی کشور باشد.



شکل شماره ۲- ضرورت‌های دفاعی- امنیتی و برنامه‌ی پنجم توسعه

منابع

فارسی

- ۱- «سند چشم‌انداز بیست ساله‌ی کشور در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی»، (۱۳۸۲)؛ مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- ۲- «سیاست‌های کلی برنامه‌ی پنجم توسعه کشور»، (۱۳۸۷)؛ در مجموعه برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور، تهران: مؤسسه‌ی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- ۳- جلالی، غلامرضا، (۱۳۸۹)؛ «سیر تاریخی و مفهومی پدافند غیرعامل»، مجله‌ی سیاست دفاعی، تابستان.
- ۴- چرنوف، فرد، (۱۳۸۸)؛ «نظریه و زیرنظریه در روابط بین‌الملل: مفاهیم و تفسیرهای متعارض»، ترجمه‌ی: علیرضا طیب، تهران: نشر نی.
- ۵- قاسمی، فرهاد، (۱۳۸۸)؛ «الزامات تئوریک بازدارندگی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، مجله روابط خارجی، سال اول، شماره ۳.
- ۶- قصری، محمد و دوستدار، رضا، (۱۳۸۸)؛ «مفهوم و جایگاه شناسی امنیت در چشم‌انداز ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه راهبرد دفاعی، شماره ۲۴، بهار.
- ۷- قوام، عبدالعلی، (۱۳۸۲)؛ «جهانی‌شدن و جهان سوم»، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- ۸- ماندل، رابرت، (۱۳۷۹)؛ «چهره متغیر امنیت ملی»، ترجمه: پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: مؤسسه مطالعات راهبردی.
- ۹- ماه پیشانیان، مهسا، (۱۳۸۴)؛ «آیا ایده سنتی امنیت نیاز به بازنگری دارد؟»، راهبرد، شماره ۳۵، بهار.
- ۱۰- متقی، ابراهیم و عسگری، محمد، (۱۳۸۸)؛ «سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران در برنامه‌ی چهارم توسعه»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال هفتم، شماره ۲۴، بهار.
- ۱۱- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، (۱۳۸۹)؛ «بررسی لایحه برنامه پنجم توسعه: فصل هفتم دفاعی، سیاسی و امنیتی»، شماره ۱۵، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس.
- ۱۲- مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۸۶)؛ «تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل»، تهران: سمت.

- ۱۳- معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور، (۱۳۸۹)؛ «مجموعه برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران»، تهران: مؤسسه‌ی عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- ۱۴- موثقی، سید احمد، (۱۳۸۷)؛ «اقتصاد سیاسی توسعه و توسعه‌نیافتگی»، تهران: مؤسسه‌ی انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ۱۵- ولوی، محمدرضا و طرهانی، فرزاد، (۱۳۸۸)؛ «راهبردهای توسعه علم و فناوری برنامه پنجم کشور در جهت تحقق دفاع دانش بنیان»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال هفتم، شماره ۲۴، بهار.

انگلیسی

- 16- "The European Union Institute for Security Studies (EUISS)", (2010), Global Governance 2025: at a Critical Juncture, Paris: Institute for Security Studies.
- 17- Hartman, J. W. (2005), "Globalization and Asymmetric Warfare", Research Report to Faculty, Alabama: Maxwell Air Force Base.
- 18- Hunter, T. Shireen, (2010), "Iran s Foreign Policy in the Post-Soviet Era", New York: Prager.
- 19- Kay, Sean, (2005), "Global Security in 21st Century", New York: Rowman & Littlefield.
- 20- Markoff, John & et al, (2010), "In Digital Combat, U.S Finds No Easy Deterrent", New York Times, January 25, 2010, (available at 1/9/2011) at: <http://www.nytimes.com/2010/01/26/world/26cyber.html>.
- 21- McDonald, Mark, (2010), "Record Number of Somali Pirate Attack in 2009", New York Times, December 30, 2009, (available at 28/8/2011) at: <http://www.nytimes.com/2009/12/30/world/africa/30piracy.html>.
- 22- Murphy, Jacob, (2011), "Deconstructing Civil Wars: Beyond the New Wars Debate", Security Dialouge, 42:3.
- 23- Murphy, Tara (2010) " Security Challenges in the 21st Century Global Commons.", *Yale Journal of International Affairs*, Spring/Summer, pp.28-43.
- 24- Phelan, Pat, (2011), "Fourth Generation Warfare and Its Challenges for the Military and Society", *Defence Studies*, 11:1.
- 25- Plano, J.C & Olton, R. (1999), "The International Relations Dictionary", California: Longman.
- 26- Reich, Walter .ed. (1996), "Origins of Terrorism: Psychologies, Ideologies", Theologies, State of Mind, Cambridge: Cambridge University.
- 27- Taliaferro, J. (1999), "Security Under Anarchy: Defensive Realism Reconsidered", Unpublished Article.

- 28- Talmadge, Caitlin, (2008), "*Closing Time: Assessing the Iranian Threat to the Strait of Hormoz*", International Security, 33, Summer.
- 29- Thronton, R. (2007), "*Asymmetric Warfare*", Cambridge: Polity Press.
- 30- Toft, Ivan, (2006), "*How the Weak Win Wars: a Theory of Asymmetric Conflict*", International Security , 26: 1.

